

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۹ می ۲۰۱۳

## فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان!

۱۶



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

بزک بزک نمیر که جو لغمان می رسد!

دروغ در اصطلاح همان اظهار امر خلاف واقع و سخن خلاف حقیقت را دروغ گویند که یکی از بزرگترین و بدترین صفات انسان دروغ گفتن است.

دروغ قبیحترین گناهان و زشتترین آنها می باشد که آدمی با این صفت در دیده ها خوار و در نظرها بی ارزش و بی اعتبار می شود.

«صادق ظفر» خط گذار و بنیان گذار «صادقیسم» کثیفترین و دروغگوترین حیوان وحشی زمانه است که عاری از وجدان و تهی از شرف می باشد. این منحوس دروغگو در نظرها آنقدر بی ارزش است که حتا مقام خوک کثیف والاتر از وی می باشد.

«صادق ظفر» این جاسوس و انجویست از اطاق خوابش در هالند انقلاب «مائویستی» و کمونیستی را با چند تا از توله سگان هزاره ایست و چنگیزیستش یعنی زرد های زرد، برای کارگران و زحمتکشان و پرولتاریای جهان نوید داده و به ارمغان می آورد؛ زهی دروغگوئی و بی شرافتی!!!

این جرثومه انگلی و پرازیت اجتماعی با دروغ، لافزنی و جفنگسرائی بهار «مائویسم» را برای بشریت نوید می دهد؛ زهی این خریت!

«صدر» پخیلو صادق ظفر بعد از یک سکوت طولانی دو باره آمد و «نوشته» کاپی شده از منابع مختلفی را جمع ، پیوند و پینه کرده و با انداختن در قالب «صادقیزیم» کوشیده تا آنها یک بینی خمیری درست نماید؛ مگر با وجود تلاش و زحمت زیاد هنوز هم مملو از غلطی املائی بود و نشان داد که توسط یک شاگرد کورس اکابر نوشته شده است.

در این «نوشته» صدر چقر کوشش می کند که از خود یک شخصیت سیاسی ، برازنده ، با فهم و با تجربه تبارز دهد و برای هزاره ایست های چنگیزیست نشان دهد که توان رهبری را دارد و بهاران « مائویسم» را از هالند و تحت حمایت ، نظارت و سرپرستی استخبارات هالند برای خلقهای جهان نوید می دهد!! ههههههههههههه عجب خر بیعقلی !!

«صدر» پخیلو صادق ظفر کوشش می کند نشان دهد که واقعاً قلب مهربانش!! به خاطر بشریت تحت ستم می تپد و تمنا دارد تا بشریت را از چنگال اختاپوس امپریالیسم نجات دهد و به همین جهت نقل قولهایی را از لنین و مائو را ذکر می کند تا عزم و جزمش را برای انقلاب کردن از اطاق خوابش و از ورای مجازی انترنت به نمایش بگذارد:

«لنین میگوید"بالاشدن به کوه مشکل است و تا آنجائی که بالا شده ایم مشکلات بزرگی رادیده ایم، اما فتح قله هدف ماست". امامانوتسه دون که شاگرد لنین کبیر است، حرف استاد بزرگش را خوب درک میکند و میداند که برای فتح قله باید شجاع تر از پیش بود. انقلاب کبیر فرهنگ و شعار "ستادفرماندهی بورژوازی رابه توپ ببندید" و آویزان کردن آن بردروازه ورودی مقر حزب کمونیست چین نمونه ای از این "جدائی یاگسست" است که مائو باشجاعت یک انقلابی کبیربه آن دست میزند. اوتئوری"ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا"را از انقلاب کبیر فرهنگ پرولتاریائی استخراج میکندکه نمونه ای عالی ای است از "پیوند" و حیات بخشیدن به جنبش.»

«صدر» چقر صادق ظفر نمی گوید که در زمان استعمار و تجاوز امپریالیسم شوروی در کدام کوه بالا شده بود و کدام قله را که همانا مقصد و هدف بود، تسخیر کرده است که ما خبر نداریم!!

قرار گزارشات (ساما)، صادق ظفر چقر و یار غارش «صدر» حسین و دو سه نفر دیگر هزاره ایست های چنگیزیست، خویش را «بخش غرجستان» (ساما) اعلان کرده و برای مرکزیت (ساما) راپور سیاهی لشکر را داده بودند و هم تقاضا های کمکهای بیشتر مالی و امکالاتی و... را متواتر می کردند. زمانی که نماینده (ساما) به خاطر دیدن و ارزیابی «مبارزات»، «بخش غرجستان» به هزاره جات سفر می کند در کمال تعجب چند نفر محدود را می بیند که از بیکاری (گرگ) شان زده بود و در هیچ جنگ و عملیاتی علیه اشغالگران و نوکرانش اشتراک نوززیده و تنها خورده و خوابیده و راپور های غلط را برای مرکز داده اند!!! نا گفته نماند که در زمان مقاومت ضد روسی یکی از امن ترین نقاط کشور، افغانستان مرکزی بود که نسبت به دیگر نقاط کشور هیچگونه آسیب در جنگ ندیده و تلفات چشمگیری نداشته است .

در تاریخ پر افتخار (ساما) هیچ سامائی دست به دزدی اسناد، پول، سلاح و مهمات (ساما) نزده و اسرار سازمانی را همچو مردمک چشم شان حفظ داشته بودند، حتا تسلیم طلبان و اما هزاره ایست ها و چنگیزیست های «بخش

غرجستان» به این عمل ننگین دست زده و بر کرامت انسانی و شرافت شان شاشیده اند؛ چون این رئیس‌بانک ها و سبزه های روزگار چشم سفید و آبرو باخته اند حقیقت را با لفاظی و دروغپردازی پنهان می دارند!!!

«صدر مائو و ولادیمیر لنین» هر شعاری را که دادند با جرأت انقلابی در عمل و پراتیک به انجام رسانیده و پیاده نمودند و هر دو کشور معظم چین و روسیه تزاری را از زیر سلطه ارتجاع و استعمار و بورواژری رهانیدند. حالا پرسش ما از «صدر» صادق ظفر مشهور به چقر این است که، تو پخپلوی گ-ز-و-ک و داکتر مارموسکت از کدام جهات خود را با مائو ولنین برابر می نمائید و با کدام ایمان طوفان نو ایجاد می کنید، تا موج جدید انقلاب پرولتاریائی از حرکت توفنده ای شما نضج گیرد و چطور «مائوئیسیم» را بهار زمانه می سازید؟! کجا است جبهات رزمی تان، ارتش خلق، رهبران همچو مائو و لنین تا انقلاب را آغاز کنند و با امواج «انقلاب» بهار زمانه یعنی «مائوئیسیم» را نوید دهند؟!

«صدر» پخپلوی صادق ظفر خودش را «افغانستانی» خطاب می دارد و خانمش شدیداً ضد افغان و افغانستان می باشد و اما حالا ضد و نقیض گوئی این خردجال بی ناموس را ببینید و معیار قضاوت قرار دهید:

"نمایندگان فکری بورژوازی درافغانستان واژه های مانند "وطن"، "مردم"، "آزادی"، "رهائی"، "غیرت"، "شهامت"، "مبارزه" و... غیره رادرجمله استعمال میکنند امانمیگویند "وطن که؟"، "آزادی که؟"، "رهائی که؟" ووقتی بگوئی "مطبقه کارگرهیچ وطن نداریم، درتمام وطن های شمابردست وپای مازنجیراستثمارافتاده است. مادرهیچ یک ازوطن های شما "رها" و "آزاد" نیستیم، ماچرا برای تبدیل کردن ارباب وزنجیر خون مار ابدهیم"

کسی که تا حال اصلاً در تولید حصه نگرفته است و از آبله کف دستش نخورده است؛ داد از کارگر بودن میزند!! کسی که تا حال هیچ زحمتی را متقبل نگشته است و تنها با دزدی و نوکری به زندگی ننگینش ادامه داده است حالا مدعی می شود که در دست و پایش زنجیر استثمار بسته شده است؛ در حالی که در هالند دارای یک زندگی مرفه و امکانات نهایت خوب می باشد!!! وی به صراحت نشان می دهد که ضد وطن، مردم، آزادی، رهائی، غیرت، شهامت و مبارزه می باشد!! باز حرفش را در کمال خرگری، خرانه نفی می کند و از مبارزات انقلابی مائو و لنین مثال می آورد، از قهر و سرنوینی صحبت می نماید و از بهار «مائوئیسیم» سخن می زند!!!

این خر کور مغز تا حال متوجه نشده است که مائو و لنین انقلابات چین و شوروی را در کشور های شان توسط مردم و انقلابیون به پیروزی رسانیدند نه توسط کارگران و زحمتکشان کل جهان. امروز اگر خلق های هالند بخواهند جامعه را از شر امپریالیسم نجات بخشند و به صوب سوسیالیسم سوق دهند، این وظیفه محول می شود به انقلابیون و خلقهای هالند نه به یک موش کور و زردی (سوم جاگه) ریفوجی همچو صادق ظفر چقر که توسط امپریالیسم هالند اعاشه و تمویل می شود و به جاسوسی گماشته شده است!!!

این روانپزش دیوانه ... که از ... پشپو می رود کوشش می کند که موعظه گر خوبی باشد و اما استفاده زیاد نوشادر برای وی مجال آن را نمی دهد که استحکام، ثبات و پایداری فکری اش را حفظ کند و یک باره (ریخ) می زند و تعفن ایجاد می سازد!!!

در اینجا «صدر» پخپلوی صادق ظفر بر ادعای ما به خاطر روابط نزدیکش با سلطان علی «گشتمند» و اسد الله «گشتمند» مهر تأیید می زند و چنین اعتراف می کند:

" یعنی چرامخالف خلق و پرچم و شوروی باشیم ولی با امپریالیست های ناتو و جنایتکاران جهادی مخالفت نکنیم؟"

حضرت «صدر» پخپلو صادق ظفر چقر ، مگر کار کردن در دفاتر (انجو) ها وابستگی ات را با امپریالیسم ثابت نمی سازد؟

چطور و چه قسم به هالند آمدی و فعلاً چه مصروفیت دارید؟

اگر ... ندادی بگو مرگ بر دولت و حکومت و امپریالیسم هالند؟

چهار چیز در دنیا است دیده پاره

مرغ و مگس و پشک و صادق "تغاره"

صادق ظفر مگر این تو مفلوک نبودی که «انجمن نویسندگان... حزب دمکراتیک خلق» را تأیید کردی و از آنها منحیث دانشمندان مبتکر و.... یاد کردی؟

«صادق ظفر» چقر باز هم مصدر دروغگوئی می شود و می خواهد با این طرز رفتار بی سواد سیاسی، ادبی و تئوریکش را پنهان سازد زیرا این من بودم که بی سواد این موجود پلید را آشکار ساختم. بخوانید که ظفر چقر چگونه عرعر زده است :

"آنها بعد از آنکه خودشان از فحاشی و نفرین، دشنام گوئی و هتاکی خسته شدند یک جوان پناهنده و محتاج نوازش را تشویق میکنند که بنمایندگی از آنها ما را بیاد فحش و ناسزا بگیرد. نوشته های خودشان را به نام این بیچاره که اصلاً سواد نوشتن را ندارد، به نشر میسپارند. از زبان او بر رفیق اکرم یاری شهید پیشوا و بنیان گذار جنبش کمونیستی افغانستان حمله میکنند. آنها برای مقابله با ما ر کسبیم- لنینیزم- مائویزم بر ما بمثابه فعالین آن حمله میکنند و ما را بد نام میسازند."

من برای تو و «صدر» "تتا" چلنج دادم که از طریق تلویزیون و فیس بک تبادل افکار نمائیم و اما شما ها همچو سگان تر شده پنهان گشتید؛ امتحانش خالی از مفاد نیست چرا می هراسید؟ مردم می بینند و قضاوت می کنند، زمانی که تو با بی باوری به نوشته هایم می نگری باعث خوشنودی خاطر م قرار می گیرد ، مایه تشویق بیشتر می شود و عظمت نوشتنم را ثابت می سازد. نوشته های من با رفقاء «موسوی» و «توخی صاحب» اصلاً مقایسه نمی شود و اما چون تو خر صفت و خر هستی تا به حال متوجه نشده ای. من از علم و اندیشه ایندو مبارز بزرگ می آموزم و تشویق های آنها بود که امروز صادق ظفر چقر و داکتر پوک را به حیرت افکنده ام.

من حاضریم که با تمام هزاره ایست های چنگیزیست همزمان جرو بحث نمایم تا مردم ببینند که بیسواد و .... کی است!!!

فرض مثال تو «صادق ظفر» چقر با سواد هستی، پس تفاوت قیام چنداؤل را با قیام اکتوبر روسیه مقایسه کن تا از ارشادات انسان پستی همچو تو هم بیآموزم؟

قیام چنداؤل را یک قیام هزارگی خواندی و اما حالا از بی وطنی و انترناسونالیسم و کارگری داد می زنی و نشخوار می نمائی؛ او الاغ کودن!! ههههههه

من نماینده هیچ کس نیستم و به خود حق نمی دهم که از (ساما)ی فعلی دفاع کنم زیرا (ساما) از خود بر نامه، کادر و رهبران دارد و آنها خوب و بد را از هم تمیز کرده و خود می دانند که چه بکنند. اما من ضد هیچ «سامائی» که به خط مبارزاتی ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی و برنامه مسوده شده به وسیله «مجید بزرگ» باور مند بوده و جهت تحقق آن مبارزه نماید، نیستم و می دانم که همه عضو و اعضای یک فامیل هستیم و روزی همه شکر رنجیها و اختلافات حل خواهد شد و به یک وحدت اصولی خواهد انجامید که آنروز هم دور نیست. اما این را می دانم که آنها برای خر و قاطر ارج فراوان می گذارند زیرا سلاح ها و اکمالات شان را در کوه ها و دره های صعب العبور

و بلند انتقال می دهد و برای تو نه تنها ارزش خر و قاطر را قائل نمی باشند بلکه خطاب نمودن اسم خر و قاطر را ضمیمهٔ پسوند ویا پیشوند اسمت، اهانت و توهین به آن دو حیوان زحمتکش می دانند. شاید در این زمینه با من اختلاف کوچکی داشته باشند.

(سازمان انقلابی) و (ساما) ترا اصلاً در جمله آدمیان به حساب نمی آورند و می دانند که تو خریطه پف کرده ای کاغذی با ضرب یک (امپلوق) سوراخ می شوی. آنها مشغول وظایف مقدس ملی شان اند و به تو پشهٔ زرد توجه نداشته و وقتی نمی گذارند. قوله کشی ها و عوعو های تو و دو سه تا شادبیازان هزاره ایست و چنگیز بیستت را تنها من می شنوم چون وظیفه ای مبارزه با جاسوسان و رد و افشای شان را خود به دوش گرفته ام و همه می دانند که این دین و وظیفه انقلابی را به وجه احسن، جدی و شایسته به پیش می برم و توانسته ام که کثیفترین لومپن ها و اوباشان را رسوا، افشاء و به گریه و تضرع ببندازم.

راستی تو خر زرد عر عر کرده ای که رفیق «موسوی» کوشش کرد که از طریق «مائویست» های «افغانستانی» با حزابی درکانادا رابطه ایجاد کند. اولاً باید گفت: تو و «چرس الله» که راست می گوئید، آدم دروغگوی را چه حواله، پایم و یا پایه برق؟؟ در ثانی شما هزاره ایست های چنگیز بیست را چه کسی در مناسبات بین المللی وارد ساخت؛ مگر کسی دیگری جز سیروس شاهانی «محمدی» عضو «سربداران» بود؟

در مورد «شهید اکرم یاری پیشوا» و بنیان گذار جنبش کمونیستی «افغانستان باید بگویم که شهید اکرم یاری نه پیشوا و نه پسوا و نه بنیان گذار جنبش کمونیستی بود و این یک تهمت ردیلانه در غیبت یک درباری غلام بچه است. وی در کنار آن که با استفاده از اعتبار «محمودی ها» برای دخول در جنبش انقلابی جای پای پیدا نمود و در ایجاد شعله جاوید یکی از ده های دیگر بود، خود به صورت مشخص نه تنها با علنی گریه‌های نسل از انقلابیون را به دم تیغ نوکران روس سپرد، بلکه همان مشی اپورتونیستی و تسلیم طلبانه که از دشمن غدار و خونی افغان و افغانستان آرزوی رحم و شفقت داشت و می گفت که آنها هم به دیالکتیک عقیده دارند و همچنان ما هم، سرانجام به قیمت جاننش نیز تمام شد.

پوقانه «یاری ایسم» را برای ابد ترکانیده ام و هیچ منطقی قبول نخواهد کرد که وی خط گذار چنین خط و رسمی بوده باشد. وی یک درباری و آماتور بود و هیچ گونه دستاورد انقلابی در جنبش شعله ئی به ارث نگذاشته است و همه می دانند.

این که تو خر زرد به هر کس می خواهی ارج و احترام بگذاری و یا توهین کنی برایم اصلاً مهم نبوده زیرا تو به مثابه یک پر کاه بی ارزش هستی و به محض پف کردن نیست می شوی و باز هم تو اینقدر مهم نیستی که در مسند قضاوت تکیه بزنی و حکم صادر نمائی!!!

خوب و بد را مردم در ترازوی قضاوت می گذارند و حکم صادر می کنند. در مورد رهبران و کادر های (ساما) همچو مجید بزرگ، قیوم رهبر، بشیر بهمن و..... رهبران و بنیانگذاران شعله جاوید مردم و تاریخ سالهاست که قضاوت کرده اند و این که تو خر چه قضاوت داری به حساب عر عر حساب می شود و بس. تو همچو خر خواهی مُرد و عملکرد های ننگینت با نعش کثیف در زیاله دان تاریخ روزی دفن خواهد شد؛ شرم و ننگ بر تو خر خران! «صدر» چقر بعد از باد دادن به گلو و نفس تازه کردن چنین عر عر می زند:

" آنها برای مقابله بامارکسیزم- لنینیزم- مائویزم بر ما بمثابه فعالین آن حمله میکنند و ما را بد نام میسازند "

همه با هم یک خنده و باز هم خنده!!

فعالین «مائویسم» در کجا و کدام کشور؟

اگر جرأت دارید نه در افغانستان، دور نمی رویم نزدیک، در همین فس بک عکست را در معرض دید قرار بده و بنویس که «انجنیر» صادق ظفر مقیم هالند یک کمونیست «مائویست» است و برای استقرار «مائویسم» مبارزه می کند. اگر چنین کردی من از خود انتقاد کرده با تو یکجا مبارزه کرده و درآوردن «بهار مائویسم» آبرانی (اورانی) کرده و بیل می زنم.

«صدر» چقر چنین تضرع کرده و می نالد:

"آنها عکس خانین ملی مانند کشتمندوخلیلی و محقق و سایر جنایت کاران اخوانی و پرچمی- خلقی مربوط به ملیت هزاره را چاپ کرده و در عین "مرگ گفتن به آنها" مارا نیز فحش میدهند"

مگر اسماعیل «کشتمند» یار جانی ات نیست و شب و روز در یک آخور و آبشخور نمیخورد و نمی نوشید و از یک پاچه ... نمی زنید او پنیاره ای بیوجدان و هزاره ایست چنگیزیست؟

صادق چقر، وقتی جمله ذیل را می نوشتی، هیچ می دانستی که باز هم مرده ای را مانند شدی که سرتخته گوزش رفته بود؟؟ اگر دانسته ای بنویس، که باز قصد اهانت به کدام گلگون کفنی را داری، تا بردیگر هزاره ایسم و درباریسمت را به گور بسپارم.

"کمونیست های هزاره ننگ دارند خود را خونشریک اپورتونیست های هزاره- که در آخرین لحظات عمر شان نیز بزدلانه و حقیرانه گفتند که "مائویست" نیستند-!"

صادق ظفر چقر، (ساما) در عمل و در جنگ مبارزه کرد و اگر هم اشتباهاتی در آن سازمان پدید آمد منجر به خیانت ملی نشد. اینرا بدان که حتا سگان همان تسلیم طلبان «ساما» هزاران بار با شرافتر، باناموس تر و مردانه تر از تو الاغ کودن و جاسوس و همقلاده های هزاره ایست و چنگیزیست می باشند. آنها اقلأ جرأت کردند و سلاح بر دوش کشیدند و اگر هم اشتباهاتی صورت پذیرفت، هر تحول انقلابی و جنگ انقلابی عاری از اشتباه نمی باشد. این که تو بی پدر خطا جاسوس مآبانه کوشش می کنی که نرمک اسرار سازمانی و تاکتیک های جنگی و مبارزاتی (ساما) را افشاء بسازی فکر می کنی که سیمای خدشه ناپذیر (ساما) را خدشه دار می سازی؟! کور خوانده ای؛ ای موش زرد و پیرو خلیلی، محقق و مزاری قومپرست و فاشیست!! خیلی از شما بیناموسان بی پدر و بی مادر، حرامزاده و زنا زاده فعلاً در رکاب «حزب وحدت» بوسه می زنید و مصروف خدمت می باشید؛ چرا انکار می دارید!

او بی ناموس ... مگر تو نبودی که بار ها همان ساوونئی انقلابی را رفیق خطاب می کردی؟

تو بی ناموس چنل خور دهن نجست را با آب گلاب بشور و غرغره کن و بعد اسم ایشان را به زبان بیآور!

او حرامزاده زنا زاده تو چقدر بی ناموس و بی شرف و دروغگو هستی!؟

رفیق انقلابی «موسوی» اسنادت بود و تمام راز هایت نزدش می باشد و می داند که چه اشتباهات خورد و کوچکی را از ۱۴ سالگی به اینطرف مرتکب گشته ای!

تو پست فطرت آنقدر چشم سفید هستی که روی سبزه ها و رئیس بانک ها را سفید ساخته ای!

مگر تو بی ناموس کثیف کی هستی که بالای زمین و زمان می خوانی و همه را بد می گوئی؛ پس تو خطا کی هستی خود را به مردم معرفی کن تا مردم بدانند که تو چه عملکرد های خوب و بدی داری!؟

این که (سازمان انقلابی) در مورد اسطوره مقاومت و رهبر آزادگان مجید بزرگ معلوماتی را ارائه داده است ارتباط می شود به کادر ها و رهبران (ساما) که چگونه از نقد رفقاء نتیجه گیری کرده و مواضع شان را روشن سازند، در این مسأله تو فاسد کثیف در راه ریخ خوردی. اما در انجام و فرجام (رهائی و ساما) دو نیروی بزرگ

جنگ مقاومت ملی بوده و است و فردا بقایای سالم همین نیرو های شعله ئی و اعضائی جریان دمکراتیک نوین حزب کارگران و زحمتکشان را بنیان خواهند گذاشت و آنگاه است که حرفهای مانو ولنین به حقیقت خواهد پیوست و قله های رفیع تسخیر خواهد شد و!.....

یک حرف را خوب گوش کن، هیچگاهی به مرام اپورتونستی تان نمی رسید زیرا در بین مردم نیستید و اذهان مردم را روشن نساخته اید و بدون خریطه ایسم و میسم را فیر می کنید که مردم افغانستان اصلاً معنی اش را نمیدانند. در هیچ جای تاریخ تا به حال دیده نشده است که یک اقلیت کوچک از طریق رأی اکثریت و یا کمک اکثریت انقلاب خلق را به پیروزی رسانیده باشند چه رسد انقلاب بین المللی و استقرار «بهار مائوسم» را!

گاو هزاره ایسم و چنگیزیم کنجاره در خواب می بیند!!!! ههههه  
زیاد باقلی و مشنگ نخورید زیرا از تعفنش ما را اذیت می کنید!! آخر خود می دانید که مردم گفته اند: یک مشنگ چهل تیز، و با به حال ما که شما به جای یک مشنگ، خروارها می خورید و با به حال مردم سراسر جهان که باید تاوان اینهمه مشنگ خوری را بدهند.

خیر فیلسوف، در نوشته قبلی نیز تذکر داده بودم که هر چه جان بکنید تا ماهیت وابسته تان را ببوشانید، چون در اساس نوکر و مزدور انجونیسم غرب هستید، بدان قادر نخواهید شد، یکی از مصادیق این ادعایم، اکنون در نشخوار «بهار مائونیسم» خود را متجلی می سازد.

اگر تو توله سگ، نوکر غلام دربار نمی بودی و با هزاران تار و رشته، به امپریالیسم وابسته و در ارتباط نمی بودی، چه ضرورت داشت تا با تقدیس «بهار» و پیوند آن با «ایزم» تان، اصطلاح «بهار مائونیسم» را نشخوار نمائی؟؟

آیا واقعاً تو آنقدر خر تشریف داری و نمی دانی که در پس اصطلاح «بهار عربی» و «انقلاب مخملین» دست دراز «سی. آی. ای.» وجود دارد و یا این که می خواهی بدین شیوه برای فعالیت های بعدی، امپریالیسم زمینه سازی نمائی؟؟

اگر نمی دانی و ندانسته چنین عرعر می کنی، به عوض آن که بخواهی راجع به مناسبات زنده یادان «مجید» و «فیض» قلم فرسائی نمائی آیا بهتر نیست، اندکی مغزت را انکشاف دهی تا چنین ردیالانه مواضع مزدورمنشانه ات را باز تاب ندهد؟؟ و اگر می دانی باید بنویسی که روی کدام ضرورت، امپریالیسم چنین اجازه ای را به تو داده است، تا ماهیت رسوایت را بیشتر از قبل رسوا بسازی؟؟ زیرا این فقط خر و آنهم از جنس تو و داکتر مارموسکت می تواند باشد که به تحریکات امپریالیستی از قماش «انقلابات مخملین» و «بهار عرب» سجده به جا می آورند، ورنه کسی که از کمترین شرافت مبارزاتی برخوردار باشد، می تواند استفاده از چنان کلماتی را با مفهومی که امروز از آن استنباط می گردد، ننگ بداند.

کسی چه می داند شاید عقل من قد نداده باشد و ندانم که «سی. آی. ای.» به ارتباط افغانستان تصمیم گرفته به دنباله روی از «بهار عرب»، «بهار مائونیسم» را بیاورد، مگر نه این است که در بین تمام جواسیس «سی. آی. ای.»، «مائونیست» ها از همه در وطنفروشی، بیناموسی، دیده درائی یک سر و گردن بلند تر اند؟؟

خواب «بهار مائونیسم» را فقط کسانی می بینند، که سوگلی امپریالیسم بوده و شب و روزشان در آغوش گندیده امپریالیسم سپری بگردد، ورنه هیچ انسان با شرافتی به خود اجازه نمی دهد تا به صورت مستقیم و یا تلویحی تا سرحد ستایشگری امپریالیسم سقوط نموده نامگذاری امپریالیسم را نشخوار نماید.

ادامه دارد